

پزشکیان:

چشم دشمن را کور می‌کنیم

رئیس‌جمهور صبح دوشنبه ۲۱ مهر در نشستی با استانداران سراسر کشور که به منظور مرور اقدامات انجام‌شده برای اجرای «برنامه مدیریت محله‌محور» برگزار شد، با اشاره به اینکه مردم باید اطمینان یابند مسئولان اجرایی تحت هر شرایطی به تأمین نیازها و رفع مشکلات آنها توجه دارند، تصریح کرد: «اگر مردم ببینند ما به دنبال رفع دغدغه‌های آنها هستیم، آنها نیز تمام ظرفیت و توان خود را برای کمک به ما به میدان می‌آورند».

از نظر مسعود پزشکیان، کشوری مثل ایران با ۱۵ همسایه را نمی‌توان به این راحتی‌ها تحریم کرد. او در این سخنرانی گفت: «اگر تعاملات خود با همسایگان را بخوبی مدیریت کنیم، می‌توان بخوبی بر فشارها غلبه کرد. ما در دنیا قصد زور گفتن به کسی را نداریم اما زیر بار زور هم نمی‌رویم و در مقابل قلدری سر فرود نمی‌آوریم؛ چشم به خاک کسی نداریم اما چشمی را که به ایران طمع کند نیز با همراهی، همدلی و هم‌افزایی کور خواهیم کرد.

■ ■ ■

فرمانده کل ارتش:

رویکردهای جدیدی برای دفع دشمن داریم

نشست اعضای کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی با سرلشکر امیر حاتمی، فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران دوشنبه باهدف بررسی و تحلیل شرایط سیاسی، امنیتی و نظامی منطقه و تحولات پیرامونی برگزار شد.

سرلشکر حاتمی در این نشست گفت: «ما امروز با جهانی مواجه هستیم که عده‌ای در آن تلاش می‌کنند حاکمیت جهان را با استفاده از قدرت نظامی و زور به دست گیرند و به کار بردن لفظ «صلح از طریق قدرت» در حقیقت اعمال حاکمیت بر جهان از طریق قدرت نظامی است و مفهوم آن این است که دیپلماسی، امروز خیلی کمرنگ‌تر از گذشته شده است».

وزیر دفاع همچنین در این نشست گفت: «جنگ ۱۲ روزه به اندازه ۱۲ سال برای ما درس داشت. در این دوران، جنگی کملاً ترکیبی را تجربه کردیم که دشمن ترکیب فناوری روز با موضوعات سیاسی، رسانه‌ای، امنیتی و اطلاعاتی را در دستور کار قرار داد. با این درس‌موخته‌ها رویکردهای جدیدی را برای هرگونه تهدید اتخاذ کردیم که منجر به اقدامات مؤثرتری برای مقابله و تنبیه شدید دشمن خواهد شد».

■ ■ ■

دهنوی:

رهبانقلاب در موضوع لوايح CFT و پالرمو توصیه‌ای نداشته‌اند

سختگوي مجمع تشخيص مصلحت نظام در واكنش به انتشار مصاحبه‌اي قديمي از جت‌الاسلام غضنفرآبادي، رئيس وقت كميسيون قضايي و حقوقی مجلس شورای اسلامی، با انتقاد از انعكاس نادرست اين مصاحبه و با بيان اينكه اين مصاحبه قطعيع شده و مربوط به ۵۰ سال پيش است، گفت: «نظر رهبر انقلاب كه در اين مصاحبه مورد استناد قرار گرفته، مربوط به طرح مجلس برای ساماندهي اسناد عادی و قولنامه‌ای و الزام ثبت رسمي معاملات است و هيچ از تباطي با لوايح پالرمو و CFT ندارد».

سيدمحسن دهنوي همچنين تأكيّد كرد: «رهبر انقلاب تصميم‌گيري درباره لوايح CFT و پالرمو را به مجمع تشخيص محول كردند و در اين موضوع هيچ توصيه‌اي نداشته‌اند».

■ ■ ■

مؤمني:

انتخابات تناسبي، سيستم حزبي را تقويت می‌کند

وزیر کشور صبح دوشنبه در نشست سراسری استانداران با اشاره به برگزاری انتخابات هفتمین دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا در ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۵ گفت: «انتخابات در تهران در این دوره به صورت مستقیم برگزار خواهد شد و در مراحل بعد در بقیه شهرهای بالای ۵۰۰ هزار نفر تناسبی برگزار می‌شود.

برگزاری این نوع انتخابات پایه‌های سیستم حزبی را تقویت می‌کند». اسکندر مومنی همچنین با اشاره به بازگرداندن اتباع غیرمجاز به کشورشان، تصریح کرد: «از ابتدای امسال بیش از یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفر از اتباع غیرمجاز در کمال احترام و رعایت عزت همسایگان، از کشور خارج شدند که آثار آن بر موضوعاتی از جمله نان و اشتغال مشهود است».

■ ■ ■

انتشار گزارش حملات سایبری بعداز عملیات توفان الاقصی

براساس گزارش مؤسسه سایبربان که به تازگی منتشر شده، در مدت ۱۰۰ روز نخست توفاق الاقصی، بیش از ۱۴ هزار حمله سایبری از کشورهای مقاومت و ایران علیه رژیم صهیونیستی ثبت شده است. بر اساس این آمار، بیشترین نوع حملات مربوط به اختلال در منع سرویس توزیع شده (DDoS) بوده که با ۷۱۱۳ حمله و سهم (۵۰٫۶ درصد) در صدر قرار دارد. پس از آن، حملات بدیفاع (Deface) با ۴۵۵۸ مورد (۳۲٫۴ درصد) و نفوذ به دستگاه‌های اینترنت اشیا با ۱۶۹۷ مورد (۱۲٫۱ درصد) در رتبه‌های بعد دیده می‌شوند.

در ادامه، افشای داده‌ها ۶۱۴ حمله (۴٫۴ درصد)، حملات زیرساختی و صنعتی ۵۲ حمله و حملات باج‌افزای ۱۷ مورد را شامل می‌شود. در مجموع، این آمار نشان می‌دهد جنگ سایبری توفان‌الاقصی، از نظر حجم حملات یکی از گسترده‌ترین رخدادهای سایبری سال‌های اخیر بوده و از نظر تنوع روش‌ها و گستردگی اهداف نیز در سطحی کم‌سابقه قرار دارد.

گروه سیاسی: روسیه یک بار دیگر خلاف آنچه ۳ کشور اروپایی در مکانیسم ماشه علیه حقوق ایران به کار بستند، در راستای مقابله با نظم تک‌قطبی بین‌الملل حرکت کرده است. وزیر خارجه روسیه در مصاحبه با رویترز اعلام کرد «درباره همکاری نظامی وفنی ما با ایران، پس از لغو تحریم‌های سازمان ملل متحد هیچ محدودیتی وجود ندارد، بنابراین ما تجهیزاتی را که جمهوری اسلامی ایران نیاز دارد، کاملاً مطابق با قوانین بین‌المللی تأمین می‌کنیم. دوباره تأکید می‌کنم این اقدام در انطباق کامل با قوانین بین‌المللی انجام می‌شود». از نظر سرگنی لاوروف، «یده‌اعمال مجدد تحریم‌هایی که غرب سعی دارد به عنوان یک رویه قانونی مشروع ارائه دهد، کاملاً ظالمانه است». لاوروف همچنین تأکید کرد غرب عمداً مانع گفت‌وگو شده است. این موضع‌گیری روسیه، پانزدهمین حرکت در حمایت از ایران در مقابل ۳ کشور اروپایی انگلیس، فرانسه و آلمان در ۲ ماه گذشته است. کمتر از ۲ هفته پیش، نماینده دائم روسیه در سازمان ملل، در بیانیه‌ای رسمی پس از آنکه ریاست دوره‌ای شورای امنیت را بر عهده گرفت، تلاش‌های ۳ کشور اروپایی برای فعال‌سازی سازوکار ماشه را «غیرقانونی» خواند و تصریح کرد روسیه مکانیسم ماشه را رد می‌کند. در نامه مشترک وزرای خارجه ایران، روسیه و چین که از محل اجلاس شانگهای به شورای امنیت سازمان ملل ارسال شد نیز فعال‌سازی مکانیسم از نظر روس‌هایی اعتبار توصیف شده بود. روسیه و چین البته پیش از اقدام ۳ کشور اروپایی، قطعنامه‌ای طراحی کردند تا قطعنامه ۲۲۳۱ که بر اساس آن ۶ قطعنامه شورای امنیت تعلیق شده، تمدید شود. وزیر خارجه روسیه، ۵ مهر در سخنرانی در نشست مجمع عمومی سازمان ملل، اسنپ‌ک را مغایر حقوق بین‌الملل خوانده بود و نماینده

توضیح منطق ایران درباره آتش‌بس غزه

رد دعوت شرم‌الشیخ؛ حفظ اصالت محور مقاومت

ناظران منتقد نیز به آن ادعان دارند، حفظ انسجام و کارآمدی ساختار مقاومت، بویژه درون حماس، در شرایط سخت جنگی است. در روزهای اخیر، زمانی که برخی تحلیلگران از فروپاشی کامل میدانی در غزه سخن می‌گفتند، مدیریت دقیق عملیات آزادی اسرا و کنترل درگیری‌های داخلی و سرکوب خائنان نشان داد این جنبش هنوز از ظرفیت سازمان‌یافته و اراده قوی برخوردار است.

همین انسجام و توان مدیریت بحران، یکی از عوامل اصلی پذیرش آتش‌بس از سوی اسرائیل بوده، به تعبیر دقیق‌تر، آتش‌بس نه از موضع برتری تل آویو، بلکه در نتیجه ناتوانی آن در ادامه جنگ و حفظ انسجام درون خود رقم خورد. تصمیم ایران برای عدم حضور در نشست شرم‌الشیخ، از همین واقعیت الهام می‌گیرد؛ صلحی که بر بستر مقاومت و ایستادگی شکل بگیرد، ریشه‌دار و قابل اتکاست اما صلحی که برای جبران شکست تحمیل شود، فاقد دوام است.

■ **خطای محاسباتی برخی تحلیلگران در کشور**

در داخل کشور، برخی منتقدان معتقد بودند شرکت در این نشست می‌توانست فرصتی برای حضور فعال‌تر ایران در معادلات منطقه‌ای باشد اما این دیدگاه از واقعیت پشت صحنه غافل است. شرکت در مجلسی که نتایجش از پیش تعیین شده و نقش ایران صرفاً تزئینی است، نه دستاوردی به همراه دارد و نه با اصول عزت ملی سازگار است.

در مقابل، رد دعوت از سوی ایران در سطح منطقه‌ای بازتاب مثبتی داشت. بسیاری از جریان‌های مردمی و سیاسی عربی این تصمیم را ادامه همان موضع اخلاقی دانستند که ایران طی ۴ دهه گذشته در حمایت از مردم فلسطین اتخاذ کرده است. حتی برخی رسانه‌های بین‌المللی، با وجود مخالفت با ایران، ادعان کردند که «منطق ایران» در این زمینه بر پایه اصولی روشن است: نمی‌توان همزمان از صلح گفت و به رژیمي که عامل اصلی جنگ است، مشروعیت داد.

■ **امید به پایان جنگ و آغاز بازسازی**

در پس همه تحلیل‌های سیاسی، یک حقیقت انسانی وجود دارد: مردم غزه بیش از هر زمان دیگری نیازمند آرامش، بازسازی و زندگی عادی‌اند. ایران، در موضع رسمی خود، بارها تأکید کرده از هر طرحی که به توقف واقعی درگیری‌ها و بهبود وضعیت انسانی منجر شود، استقبال می‌کند اما تأکید دارد چنین صلحی باید واقعی و پایدار باشد، نه موقت و تبلیغاتی. با این حال، لحن بیانیه‌های اخیر تهران نیز نشانه‌ای از امید محاطانه‌دارد: در برداشت غیرمستقیم از مواضع رسمی، می‌توان دریافت که ایران پایان جنگ را نه شکست، بلکه نشانه‌ای از تغییر توازن قوا به نفع مردم فلسطین می‌بیند. امروز مقاومت، با وجود فشارها و ویرانی‌ها، توانسته ساختار خود را حفظ کند و از دل سخت‌ترین نبردها، نوعی انسجام تازه پدید آورد. این واقعیت، خوامیمیدی است برای آغاز مرحله‌ای متفاوت در آینده فلسطین.

در آخر، رد دعوت از سوی ایران برای حضور در نشست شرم‌الشیخ، نشانه‌ای از انزوا یا تقابل نیست، بلکه بیانگر درک عمیق‌تری از منطق صلح در خاورمیانه است. تهران بر این باور است که صلح پایدار تنها زمانی ممکن است که عدالت برقرار شود و مردم فلسطین بتوانند آزادانه درباره سرنوشت خود تصمیم بگیرند.

در دنیایی که گاه «صلح» به ابزاری برای تحمیل خواست

قدرت‌ها تبدیل می‌شود، حفظ استقلال رأی و پرهیز از بازی‌های نمایشی، خود نشانه‌ای از قدرت و ثبات است. تصمیم ایران، چه

لاوروف: برای همکاری نظامی و فنی با ایران هیچ محدودیتی نداریم

ماشه واقعی



«یک ترغند زیر کله» انجام داده‌اند. از نظر او «طرفین باید ابتدا ادعاها را در سازوکار حل اختلاف بررسی کنند و تنها در صورتی که همه چیز به بن‌بست رسیده باشد موضوع را به شورای امنیت سازمان ملل متحد از جاع دهند». بیانیه رسمی وزارت خارجه روسیه در همان روز، صراحتاً اعلام کرد در خواست ۲۸ آگوست تروئیکا با الزامات قطعنامه ۲۲۳۱ انطباق ندارد و هیچ تعهدی برای دیگر اعضا ایجاد نمی‌کند. نباید فراموش کرد هر گونه تغییر در فهرست تحریم‌ها نیازمند رأی گیری در

مجموعه‌ای قوی از موشک‌های پیشرفته، بویژه سلاح‌های مافوق‌صوت در اختیار دارد که می‌تواند برای هرگونه تهاجمی کامل میدانی در غزه سخن می‌گفتند، مدیریت دقیق عملیات این بار سلاح‌های مافوق‌صوت «فتاح ۱» و «فتاح ۲» در رگبارهایی از پهپادهای کندتر، موشک‌های کروز شاهد کندتر و موشک‌های بالستیک متعارف مانند قدر با عماد، ادغام خواهد کرد».

این گزارش تصریح می‌کند: «این استراتژی تا حدودی به طور مؤثر، اواخر جنگ ۱۲ روزه به کار گرفته شد که در آن ایران، بر خلاف ادعاهای اولیه ارتش اسرائیل موفق شد

مجموعه‌ای از موشک‌ها را شلیک کند که مناطقی را در شهرهای بزرگی مانند تل آویو ویران کرد. اگر جنگ به همین

منوال ادامه می‌یافت، ایرانی‌ها ممکن بود بتوانند با شلیک‌های موشکی خود ضربات بزرگ‌تری به اسرائیل وارد کنند، تنها به

این دلیل که سیستم‌های دفاع هوایی اسرائیل، تحت شعاع تکنیک‌های هجومی قرار می‌گرفتند.

از زمان جنگ ژوئن، اسرائیل تمام تلاش خود را برای تجدیدذخایر مصرف‌شده موشک‌های رهگیر و بازسازی شبکه دفاع هوایی خود انجام داده است اما ایرانی‌ها در آن جنگ فقط کسری از رزادخانه چشمگیر موشکی و پهپادی خود را از دست دادند. اسرائیل تمام تلاش خود را برای تجدیدذخایر مصرف‌شده موشک‌های رهگیر و بازسازی شبکه دفاع هوایی خود انجام داده است اما ایرانی‌ها در آن جنگ فقط کسری از رزادخانه چشمگیر موشکی و پهپادی خود را از دست دادند.

مشکل از آنجا آغاز می‌شود که این نمایش، جای واقعیت را می‌گیرد. آنچه در قلاب می‌بینیم، بتدریج به «خود سیاست» بدل و آنچه در میدان تصمیم‌گیری می‌گذرد، به حاشیه رانده می‌شود. رسانه‌ها چنان بر لحظه‌ها و تصاویر تمرکز می‌کنند که فرآیندهای بلندمدت و پیچیده سیاست را از چشم مخاطب پنهان می‌سازند. از این منظر، سیاست دیگر فهم نمی‌شود، بلکه «تماشا» می‌شود.

در این نظام‌نمایش، رویدادهایی چون نشست‌های بین‌المللی یا دیدارهای دیپلماتیک، از معنا تهی می‌شوند و صرفاً به نشانه‌هایی برای مصرف رسانه‌ای بدل می‌گردند. صحنه لیخنه، تماشای تلفنی، کمکس یادگاری یا بیانیه رسمی، مهم‌تر از محتوای واقعی گفت‌وگوها تلقی می‌شود. رسانه با همین قاب‌ها، جهانی ساده و قابل هضم می‌سازد؛ جهانی که در آن، سیاست به لحظه‌ای خلاصه می‌شود که بتوان آن را روایت کرد.

اما سیاست، روایت نیست؛ واقعیتی است چندوجهی، درهم‌تنیده با تاریخ، منافع، اقتصاد و حلقه‌های ملت‌ها. هرگاه آن را به لحظه‌ای فرو بکاهیم، از درک همین پیچیدگی فاصله گرفته‌ایم. در این فرو رگاست، تنها معنا از بین می‌رود، بلکه خرد سیاسی نیز فرسوده می‌شود.

نمایش سیاسی را از این وضعیت راد در تاریخ معاصر خود تجربه کرده‌ایم. روزی، تماس تلفنی میان رئیس‌جمهور پیشین ایران و رئیس‌جمهور وقت آمریکا در رسانه‌ها چنان بزرگ‌نمایی شد که بسیاری آن را نقطه آغاز فصلی تازه پنداشتند اما آن تماس، جز یک تیتیر پرهیاهو نبود. همان گونه که امروز، آرزوی تحریر دست دادن یا دیدار احتمالی میان رئیس‌جمهور ایران و رئیس‌جمهور آمریکا در شرم‌الشیخ، به خبر اول رسانه‌ها بدل شد، بی‌آنکه تغییری در واقعیت تحریم‌ها یا معادلات قدرت ایجاد کند. تماس‌ها و دیدارها می‌آیند و می‌روند اما ساختارهایی که تصمیم‌ها را می‌سازند، همچنان پابرجایند.

این رویدادها نه بی‌اهمیتند و نه بی‌اثر اما خطرناک آن است که به همه چیز بدل شوند به «همه سیاست». وقتی رسانه‌ها سیاست را به چنین لحظاتی تقلیل می‌دهند، افکار عمومی نیز ناخواسته در دام همین ساده‌سازی می‌افتد. مردم به جای پرسش از چرایی ندوام مشکلات ساختاری، چشم به تصویر مقام می‌دوزند و در لیخنه یا انخم آنها به‌دنبال نشانه گشایش یا بحران می‌گردند. اما واقعیت، بیرون قلاب رخ می‌دهد. نه تماس تلفنی، نه عکس دیدار و نه حتی نشست‌های پرطمطراق، به‌تنهایی توان تغییر معادلات واقعی را ندارند. آنچه سرنوشت کشورها را دگرگون می‌کند، تصمیم‌های عمیق، بازنگری در سیاست‌های کلان و تغییر در روابط قدرت است؛ اموری که نه در قلاب دوربین‌کن، در سکوت فرآیندهای طولانی و پیچیده شکل می‌گیرد. در در این میان، رسانه با منقلب خاص خود، به بازتولید این سطحی‌نگری لامن می‌زند. جذابیت برای او در «لحظه» است؛ در آن نقطه‌ای که می‌تواند مخاطب را میخکوب کند. اما سیاست، نه لحظه است و نه تصویر؛ سیاست استمرار است و استمرار با جذابیت رسانه‌ای ناسازگار. از همین رور، رسانه برای زنده نگه

شورای امنیت است و با حق وتو، مسکو و پکن می‌توانند هر قطعنامه جدیدی را مسدود کنند. این امر، تصویب تحریم‌های اضافی (مانند محدودیت‌های سایبری یا مالی جدید) را ناممکن می‌کند. از این رو است که توافق روسیه و ایران، چیزی فراتر از یک توافق معمولی است که به تعبیر وزیر خارجه ایران، بلندمدت بودن آن به طرفین برای تأسیس یک اعتماد مستحکم کمک می‌کند. این توافق بویژه در ۲ حوزه انرژی و ترانزیت، پیشرفت محسوسی داشته و در زمینه دلارزدایی در تعاملات دوطرفه یا همکاری‌های هسته‌ای برای ساخت نیروگاه‌های جدید نیز فراتر از کاغذ رفته است.

اندیشکده کارنگی در گزارشی در دی‌ماه سال گذشته ادعا کرد توافق ایران و روسیه، هیچ نشانه‌ای از یک توافق دفاعی متقابل ندارد اما حالا پس از تکراری شدن اخباری مانند رفت و آمدهای هواپیماهای نظامی میان مسکو و تهران و تصریح وزیر خارجه روسیه بر تأمین تجهیزات نظامی ایران، می‌توان ادعا کرد جنگ ۱۲ روزه روند اجرای توافق را تسریع کرده است. نویسنده گزارش کارنگی ادعا کرده بود روسیه آنچه را ایران می‌خواهد، به آن نمی‌دهد اما برخی اخبار فرود ۳۰ میگ ۲۹ و یک اسکادران بسوخو ۳۵ در ایران را تأیید می‌کنند. از سوی دیگر باید توجه کرد روسیه کشوری است با بیش از ۷۰۰ میلیارد دلار حجم مبادلات تجاری و ۱۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در حالی که حجم مبادلات ایران با این کشور تنها ۸۵ میلیارد دلار است. در نتیجه، خرید و فروش تسلیحات نظامی با روسیه هم می‌تواند از نظر اقتصادی سودمند باشد و هم از حیث دفاعی، نظامی و بازدارندگی، ایران را در آشوب‌های حاصل از تنش‌های مداخله‌آمیز آمریکا در منطقه صاحب دست برتر کند.

نشنال اینترنست: اسرائیل و آمریکا نمی‌توانند در مقابل موشک‌های ایران دفاع کنند

شلیک کردند». این گزارش در پایان می‌نویسد: «موشک‌های ایران یک مشکل واقعی برای اسرائیل و آمریکااست. عنصر مافوق‌صوت، بازدارندگی روانی را افزایش می‌دهد، زیرا سیستم‌های امنیتی، مانند پاتریوت یا دفاع منطقه‌ای ارتفاع بالا، ممکن است با تهدیدهای بسیار مانورپذیر، مانند «فتاح ۲»، دست‌وپنجه نرم کنند.

امروز هیچ دفاع قابل اعتمادی در غرب بر برابر این سلاح‌ها وجود ندارد و ایرانی‌ها زرادخانه بزرگی در انبار دارند و خسارات وارده، به مراتب بیشتر از آن چیزی خواهد بود که بسیاری در

واشنگتن و اورشلیم تصور می‌کنند».

چرا دعوت از ایران یک بازی رسانه‌ای است؟

علیه ساده‌سازی نشست شرم‌الشیخ

داشتن توجه عمومی، ناچار است پیوسته از دل سیاست، رویداد

بتراشد؛ گویی بدون حادثه، سیاستی وجود ندارد. نتیجه، پیدایش نوعی «سیاست صحنه‌ای» است: سیاستی که برای دیده شدن طراحی می‌شود، نه حل مسأله. سیاستمدار می‌آموزد چگونه در برابر دوربین لیخنه بزند، چگونه سخن بگوید و چگونه خود را در قالی قابل پخش عرضه کند. به این ترتیب،

سیاست از عمل فاصله می‌گیرد و به نمایش بدل می‌شود. این نمایش تنها در عرصه بین‌المللی که در فضای داخلی کشورها نیز تکرار می‌شود. رسانه‌های داخلی، به جای پرداختن به ساختارها، بر چهره‌ها تمرکز می‌کنند و به جای پرسش از سیاست‌ها، درباره حاشیه‌های نویسنند. چنین فضایی، شهروندان را به تماشاگران منفعل بدل می‌کند؛ تماشاگرانی که احساس می‌کنند در سیاست حضور دارند اما در واقع، تنها مخاطب تصویرند.

بی‌خردی نه از سر نادانی که از دل همین ساختار زاده می‌شود. این ساختار، به‌گونه‌ای طراحی شده که ما را از اندیشیدن باز می‌دارد. ما به جای تحلیل، احساس می‌کنیم؛ به جای پرسش، قضاوت می‌کنیم و به جای فهم فرآیندها، به دنبال لحظه‌های دینی می‌گردیم. نتیجه آن است که جهان را نه آنگونه که هست، بلکه آنگونه که رسانه می‌خواهد، می‌بینیم.

از این منظر، سیاست رسانه‌ای شده، سیاست بی‌تفکر است. سیاستی که با هر موج خبری، معنا تهی می‌کند و با هر تصویر تازه، احساس تازه‌ای می‌آفریند. این سیاست، ریشه ندارد؛ چون گذشته‌اش فراموش می‌شود و آینده‌اش در هاله‌ای از امیدهای موقت تعریف می‌گردد.

برای خروج از این چرخه سطحی‌نگری، باید نخست خود سازوکار رسانه را شناسیم. باید بدانیم هر تصویری، نتیجه‌انتخاب است: انتخاب زاویه، واژه و هدف. باید برسیم چه چیزهایی در روایت‌های رسمی غایبند و کدام سداها عمداً شنیده نمی‌شوند. رسانه‌ها، خواه جهانی باشند یا داخلی، آنچه را در چارچوب منافع خود یا صاحبان‌شان می‌خواهند، به سکوت می‌سپارند. فهم این سکوت‌ها، کلید فهم سیاست واقعی است.

بازگشت به سیاست واقعی یعنی بازگشت به عقی. یعنی پذیرفتن اینکه هیچ تماس تلفنی، هیچ دیدار تاریخی و هیچ نشست پرسرز ورقی نمی‌تواند به‌تنهایی ریشه بحران‌ها را بخشکند. نشانه‌ها، فقر، بی‌عدالتی و بحران اعتماد، با لیخنه ۲ سیاستمدار از میان نمی‌رود. حل این مسائل، به بازنگری‌های بنیادین نیاز دارد؛ به اراده، برنامه و پیگیری مداوم اما تا زمانی که

رسانه‌ها از رویداد بت می‌سازند و مردم در تماشای همان بت‌ها غرقند، سیاست در همان سطح تصویر باقی می‌ماند. سواد رسانه‌ای، در چنین روزگاری، نه یک مهارت جالبی، بلکه ضرورتی برای زیست آگاهانه است. شهروند آگاه کسی است که از دیدن فراتر می‌رود؛ کسی که می‌داند تصویر، همیشه همه چیز را نشان نمی‌دهد. او میان نمایش و واقعیت تمایز می‌گذارد و به جای واکنش‌های احساسی، به تحلیل می‌پردازد. اگر سیاست، به واقع قرار است از دام نمایش رها شود، باید اندیشیدن به جای تماشا کردن بنشیند. رسانه می‌تواند یاریگر این روند باشد، اگر از سوسوسه سرعت و هیجان دست بردارد و دوباره به رسالت اصلی خود بازگردد؛ فهماندن، نه سرگرم کردن. در پایان، شاید بتوان گفت سیاست امروز بیش از هر زمان دیگر نیازمند سکوت است؛ سکوتی برای اندیشیدن، نه سکوتی برای پنهان کردن. جهان سیاست در پس تصویرها ادامه دارد، در گفت‌وگوهای بی‌دوربین، در تصمیم‌هایی که تیتیر نمی‌شوند و در فرآیندهایی که سال‌ها طول می‌کشند. ما اگر بخواهیم آینده‌ای آگاهانه‌تر بسازیم، باید نگاه خود را از قلاب رویداد بیرون بکشیم و دوباره به عقی بنگریم؛ جایی که سیاست، نه صحنه نمایش، بلکه میدان فهم و تدبیر است.